

روایتی لباف خانیکی  
میراث فرهنگی خراسان  
شماره مقاله: ۴۷۸

## دگردیسی در مفهوم و کاربری رباط

R. Labhâf-Khâniki

*Khorasan Cultural Heritage Department*

### **Change in the Concept and Usage of Rebat**

Inn (Rebat) and carvanserai are basically two different phenomena which have almost assumed the same status in recent centuries. In this way, the distinction between them is not an easy task. It seems that the origin of carvansarai gets back to the pre-Islamic era when it provided shelter to the travellers and pilgrims. Rebat, on the other hand, appeared in the post-Islamic socio-cultural and architectural domains.

It has however changed and was used according to the time requirements and the socio-political conditions. The article has cast a glance at the changes and the development of Rebat from the beginning to the present time.

خلاصه

اگر چه رباط و کاروانسرا دو پدیده کاملاً متفاوت بوده، اما به دلیل کاربری تقریباً یکسانی

که در سده‌های اخیر داشته‌اند، امروزه تفکیک آنها از یکدیگر دشوار است. به نظر می‌رسد کارونسرا که بنیادش به پیش از اسلام نسبت داده شده همواره پذیرا و اقامتگاه کاروانیان زائر و مسافر بوده اما رباط که پس از ظهور اسلام در عرصه فرهنگ معماری و اجتماعی ظاهر گردیده، به مقتضای زمان و تغییر اوضاع سیاسی، اجتماعی و اعتقادی کاربری متفاوتی داشته است. در این مقاله مروری خواهیم داشت بر سیر تحول و دگرگونی رباط از آغاز تا عصر حاضر.

رباط به معنی بستن و پیوند دادن است و در اغلب موارد به مفهوم بستن حیوان و جایی برای نگهداری و محافظت به کار رفته و با استناد به همان موضوع، از آن مراقبت نیز مستفاد شده است. واژه «مرابطه» هم که با رباط هم ریشه می‌باشد، محافظت مرزها و مراقبت از هر چیز دیگر معنی شده<sup>۱</sup> و «مرابطون» داوطلبان مومنی بودند که خود را وقف دفاع از اسلام کرده بودند. وجه تسمیه سلسله مرابطون به این مناسبت است که آغاز کارشان از یکی از رباطهای افریقیه بود<sup>۲</sup>.

در کهن‌ترین متن که واژه «رباط» آورده شده، قرآن کریم است در آیه شریفه ۶۰ از سوره انفال آمده است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُّوا لَكُمْ وَأَخْرَبِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ التَّالِفُونَ.»<sup>۳</sup> در این آیه مبارکه «رباط الخیل» به معنی «اسبان بسته» آمده است و به اعتبار همین معنی رباط را مکان و حصار دانسته‌اند که اسبها را در آن می‌بسته‌اند<sup>۴</sup>.

با استنباط از آیه مبارکه ۶۰ سوره انفال و شواهد و مدارک دیگر می‌توان تصور کرد که رباط به مفهوم فوق تقریباً با ظهور اسلام مقارن بوده و سربازان اسلام در آن به دفاع و مقابله

۱- فاطمه کریمی، مقدمه‌ای بر شناخت رباط در ایران، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۳، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۷۴، ص ۵۰۷، به نقل از ناصر مکارم شیرازی در تفسیر نمونه.

۲- غلامحسین مصاحب، دایره المعارف فارسی، ج ۱، انتشارات فرانکلین، تهران، ۱۳۲۵، ص ۱۵۷۲.

۳- المنجد، ماده رباط. تاریخ بیستان، تصحیح ملک الشعرای بهار، انتشارات پدیده «خاور»، تهران، ۱۳۶۶، ص ۳۳۹.

مشغول بوده‌اند پیغمبر گرامی (ص) فرموده است: «هر کس از شما عبادان (آبادان) را دید در آن رباط بندد زیرا که این شهر مشتی گل از بیت المقدس است»<sup>۴</sup>.

بنابراین رباطها ابتدا به منزله پادگانهای نظامی و محل نگهداری اسب و آذوقه مجاهدان اسلام بوده، آنها در سده‌های نخستین اسلامی به مرزهای سرزمینهای مسلمان هجرت کرده و با احداث رباطها در مرزهایی که مورد تهدید مشرکان بود به پاسداری از دین مبین اسلام می‌پرداختند. اسفنجاب محل مجاهدان راه دین بود و در آن رباطهای بسیاری برای مجاهدان ساخته شده بود<sup>۵</sup>.

بنابه نوشته مقدسی در آن شهرکه مرزی مهم و نبردگاه بود یک هزار و هفتصد رباط وجود داشت<sup>۶</sup>. رباطها در آغاز استحکامات ساده‌ای بودند و در نقاط بی حفاظ مرزی ساخته می‌شدند تا پناهگاه گروهی از جهادگران باشند<sup>۷</sup>. ساختمان آنها در ساده‌ترین شکل نقشه‌ای مستطیل داشت و شامل یک دیوار بر اطراف و اطاقهایی برای اقامت، انبارهای اسلحه و تدارکات و برجهایی برای دیده‌بانی و علامت دادن بود که غالباً با شتاب بنیان گرفته بود<sup>۸</sup>.

رباط به دلیل این جایگاه والای که در امر جهاد مسلمین و پاسداری از مرزهای اسلام داشت، جنبه تقدس به خود گرفت و ساختن رباط امری مقدس به شمار می‌آمد. چه بسا شهیدانی که از رباطی به جنگ با مشرکان بر می‌خاستند و به شهادت می‌رسیدند و در همان

۴- ابر عبدالله محمدین احمد مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، بخش اول، ترجمه دکتر علی منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۶۱، ص ۲۸.

۵- و. بار تولد، ترکستان نامه، ج ۱، ترجمه کریم کشاورز، موسسه انتشارات آگاه، تهران ۱۳۶۶، ص ۱۳۹.

۶- ابو عبدالله محمدین احمد مقدسی، همان، ج ۲، ص ۳۹۴.

۷- محمد اسعد طلس، آموزش و پرورش در اسلام، اقتباس و نگارش محمد فارسی، در مجله آموزش و پرورش

سال بیست و نهم، فروردین، ۱۳۳۷، ص ۲۸.

۸- فاطمه کریمی، همان، ص ۵۰۸، دایرة المعارف الاسلامیه، ج ۱۰، ص ۱۹، ماده رباط.

رباط به خاک سپرده می شدند. از جمله «شیخ محمد غازی» را که در جنگ با مجوسان به شهادت رسیده بود، در رباطی دفن کردند و سنت خاکسپاری در رباط در سده های بعد نیز ادامه یافت.<sup>۹</sup> تعداد رباطها در همه جا یکسان نبود و در نقاطی که بیشتر در معرض هجوم دشمنان و مشرکان بود، افزایش می یافت. از جمله در مرزهای شرقی اسلام که بیشتر از سوی کافران تهدید می شد رباطهای زیادتری ساخته شده بود. مثلاً در «بیکند» که شهری نزدیک بخارا بوده زیاده بر هزار رباط ساخته بودند و در هر یک جماعتی برای دفاع نشانده بودند و وقتی کافران هجوم می آوردند از هر ده مردم در آن رباطها جمع می شدند و جنگ می کردند و هر قومی برای خود رباطی داشت.<sup>۱۰</sup>

رباط گاه به صورت پایگاههای بزرگ نظامی برای تدارک حمله مسلمانان به سرزمینهای کفار نیز ساخته و مورد استفاده قرار می گرفت. این گونه رباطها را معمولاً حکام می ساختند. مثل «رباط المنستیر» در تونس که بانی آن «زیادةالله» بود و در سال ۲۰۶ هـ ق بنیان گرفت و از همان رباط سپاهیان برای فتح سیسیل گسیل شدند.<sup>۱۱</sup>

پس از تثبیت مرزهای اسلام و بر طرف شدن تهدید از سوی غیر مسلمانان معنی واژه رباط تغییر کرد و رباط به جایی گفته می شد که اهل تصوف و طریقت در آن زندگی می کردند. به گفته «ابوحفص سهروردی»: «کسانی که در رباط به اطاعت خدا مشغولند با دعاهای خود بلا و مصیبت را از بلاد و عباد دور می سازند»<sup>۱۲</sup> و به نوشته «مقریزی»، «رباط افرم» اختصاص به صوفیه و شیخ و امام آنها داشت<sup>۱۳</sup> و هم او در جای دیگر رباط را خانه صوفیان معرفی کرده<sup>۱۴</sup> و در بیان شرایط رباطها قطع معامله با خلق و معامله با خدا را که کنایه از زهد و عبادت است ذکر

۹- فاطمه کریمی، همان، ص ۵۰۸، به نقل از عیسی بن جنید شیرازی.

۱۰- ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی، تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر احمد بن محمد بن نصر القبادی، تصحیح و تحشیه

مدرس رضوی، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۳، ص ۲۵. ۱۱- فاطمه کریمی، همان، به نقل از مارکیز، ص ۵۰۹.

۱۲- محمد اسعد طلح، همان، ص ۲۸. ۱۳- مقریزی، خطط، مکتبه المثنی، بغداد، ج ۲، ص ۴۲۷.

۱۴- همان، ص ۴۳.

می‌کند<sup>۱۵</sup>. توجه صوفیان و عارفان به رباط تا آنجا بالا گرفت که واژه رباط و خانقاه مرادف هم شد و گاه در بعضی متون به یک معنی آمد<sup>۱۶</sup>. در این دوره رباط تنها به مراکزی که در بیرون شهرها بودند اطلاق می‌شد از جمله آنها می‌توان «رباط زوزنی» را در بغداد نام برد<sup>۱۷</sup>. ابوسعید ابوالخیر نیز در «رباط کهن» به خلوت می‌نشست و آن رباطی بود بر سر راه ایبورد به میهنه «او را در آن رباط خلوتها و ریاضتهای بسیار بوده است»<sup>۱۸</sup>.

رباط در میان مردم مسلمان از احترام و تقدس بسیار برخوردار بود زیرا مشایخ و بزرگان در آن ساکن بودند که شیفتگان و مریدان فراوانی در میان مردم داشتند و همواره به صلاح و خیر و نیکی شهره بودند و رباط در دل و چشم مردم تا آنجا عزیز شد که برای دعا به آن مکان می‌رفتند و بوسیله ساکنان رباطها از خداوند انجام حاجات خود را طلب می‌کردند<sup>۱۹</sup>. «ابن جبیر» در اواخر قرن ششم هجری از رباطی در شرق موصل یاد کرده که در بین اهالی بسیار مورد احترام بود و مردم شبهای جمعه به آن رباط می‌رفتند و عبادت می‌کردند<sup>۲۰</sup>. نگارنده خود رباطی از این نوع معروف به «رباط زیارت» را در ۴۰ کیلومتری شمال غرب خواف شناسایی و پیگیری کردم. در این رباط علاوه بر حصار مستطیل فضاهای متعدد و از جمله تالاری مستطیل با کتیبه کوفی و سکوی سنگی وجود داشت که می‌توانست مکانی جهت

۱۵- همان، ص ۴۲۷. ۱۶- ابن جبیر، رحله، ص ۲۱۸.

۱۷- آدم متر، تمدن اسلام در قرن چهارم هجری، ترجمه ذکاتوتی قراگزلو، امیرکبیر، تهران، ص ۳۲۵، به نقل از المنتظم

ابن جوزی.

۱۸- محمد بن منور، اسرار التوحید، مقدمه و تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، ج ۱، موسسه انتشارات آگاه، تهران.

۱۳۷۱، ص ۲۹.

۱۹- شیخ ابوالعباس احمد بن خالد الناصری، الاستقصاء من التاريخ الدول المغرب الاقصا، ج ۴، ص ۷، در تایید این

مطلب در تاریخ سیستان آمده که: «چون محمد علی (محمد بن علی بن لیث) به بستان آمد فتح با او یکی شد اندر غارت کردن و مال سندن مردمان برباطها و جایهای مبارک همی شدند و دعا همی کردند مگر که فرج یابند از جور ایشان -

تاریخ سیستان، ص ۲۹۲. ۲۰- ابن جبیر، همان، صص ۲۱۲-۲۱۱.

عبادت و تعلیم در اوایل قرن پنجم هجری باشد<sup>۲۱</sup>. کم‌کم تقدس رباطها به جایی رسید که مردم کراماتی را به بزرگان و مشایخ و حتی اشخاص معمولی ساکن آنها نسبت می‌دادند. نظیر طی الارض و شفای بیماران با آب دهان<sup>۲۲</sup>. شأن و مرتبه معنوی رباطها موجب شد که مردم املاک زیادی را بر آنها وقف کنند. در مورد رباطهای افریقیه نوشته‌اند: موقوفات زیادی داشت و از هر سو خیرات و صدقات آنها می‌رسید<sup>۲۳</sup>. «ابن جبیر» نیز از بنای رباطهای متعدد و وقف اموال و دارایی‌های فراوان از طرف بزرگان و متمکنین بر آنها نوشته است<sup>۲۴</sup>.

رباط تنها جایگاه اهل تصوف نبود بلکه در آموزش اسلامی نقش مهمی داشت. اگر چه قوی بودن جنبه دینی و معنوی رباطها باعث شده که برخی آنها را تنها مراکزی برای اقامت و سکونت دانشجویان بدانند و آنها را همانند خانقاههای کنار مدراس مراکزی برای رسیدگی به امور دانشجویان و نیازمندان و پناه دادن به این طبقات ذکر کنند<sup>۲۵</sup>، با این وجود شک نیست که در آموزش و اشاعه علم نیز رباطها جایگاه بلندی داشته است.

امام پارسا و حافظ قران و کاتب «ابوبکر محمد بن موسی بن عثمان حازم الهمدانی» در «رباط بدیع» بود و هر شب تا صبح می‌خواند و می‌نگاشت<sup>۲۶</sup>. رباط مانک علی میمون در ختلان یکی از پایگاههای بزرگ قضاوت و فتوا در قرن پنجم هجری بود. «امام بو صادق» قاضی ختلان که بسیار مورد اعتماد بود در آن رباط اقامت داشت<sup>۲۷</sup> و امام «ابوالعباس تبانی» که عمری به سزا

۲۱- رجبعلی لباف خانیکی. پیگردی در مسجد رباط زیارت. مجله میراث فرهنگی، ش ۱، ۱۳۶۹، صص ۱۸-۱۶.

۲۲- رک، ابن یعقوب بن یحیی بن عیسی بن عبدالرحمن، الشوف الی رجال الشوف، مطبوعات معهد الانحاث العليا

المغربیة، صص ۴۶۲-۴۵۴-۴۲۹. ۲۳- آدام متز، عمان، ص ۵۲۹. ۲۴- رک، ابن جبیر، همان، ص ۴۲۸.

۲۵- غنیه عبدالرحیم، تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی، ترجمه دکتر نورالله کسایبی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.

ص ۳۶۳.

۲۶- مصطفی جواد، نقدی بر کتاب آموزش در اسلام، ترجمه محمد حسین ساکت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران

۱۳۷۰، ص ۳۶۳.

۲۷- ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی، تاریخ بیهقی، تصحیح علی اکبر فیاض، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۰.

یافته بود و امام روزگار در همه علوم بود نیز در رباط مانک علی میمون زندگی می کرد و روزی افزون بر صد فتوی را جواب می داد<sup>۲۸</sup>. جایگاه و جاذبه رباطها در بُعد علمی و آموزشی آنها باعث می شد که علما و روحانیون حتی از کشورهای دیگر اسلامی جذب آن کانونها می شدند. چنانکه امام مجتهد و محدث بزرگ قاضی «ابوبکر بن عربی» چون از اندلس (اسپانیا) به سفر مشرق پرداخت در بغداد به «رباط ابوسعید» که جنب مدرسه نظامیه بود وارد شد و با امام محمد غزالی مباحثه و ملاقات نمود. و عبدالله بن مبارک هم در مرو دو رباط ساخت یکی برای اهل حدیث و یکی برای اهل رای تا وقتی از نقاط دور به مرو وارد شدند در آنها گرد آیند<sup>۲۹</sup>. به هر روی با بررسی ماخذ به فراوانی از فعالیت‌های علمی و فرهنگی ساکنین رباطها برخوردار می شود تا جایی که می توان رباطها را در ردیف مکانهای فرهنگی و علمی فعال به شمار آورد. «شیخ معین الدین» در «رباط امینی» شیراز به تدریس مشغول بوده است<sup>۳۰</sup>. مسلماً حضور و اقامت پنجاه ساله دانشمندان بزرگ در آن رباطها و تدریس چندین ساله آنها آن مکانها را به صورت کانونهای علمی معتبری در آورده است.

مقریزی نیز درباره رباطهای مصر از «رباط آثار» یاد کرده که مرکزی برای تدریس فقه شافعی بوده و حتی کتابخانه‌ای داشته است<sup>۳۱</sup>.

فعالیت‌های علمی رباطها در بعضی مناطق زنان را نیز از فیوضات خود بهره مند می کرده است. مقریزی در این باب به «رباط بغدادیه» اشاره کرده که زنی نیکوکار به نام «ام‌زینب فاطمه» در این رباط زنان دیگر را موعظه می کرده و به آنان علم و دین می آموخته است<sup>۳۲</sup>.

جاذبه حضور دانشمندان و فرهیختگانی که در بعضی از رباطها ساکن بودند باعث رفت و آمد دانش پژوهان و مشتاقان علم و معرفت بوده که این امر خود رباطها را همچون مدرسه‌ها به صورت «دارالعلم» در آورده است در دورانی از تاریخ اسلام هم منشا علوم اسلامی و قرآنی

→ ۱۳۵۶، ص ۲۶۷. ۲۸- همان، ص ۲۴۹. ۲۹- طلس، همان، ص ۲۸.

۳۰- فریدالدین عطار نیشابوری، تذکره الاولیاء، به تصحیح دکتر محمد استعلامی، انتشارات زوآر تهران، ۱۳۷۰، ص ۲۱۲.

۳۱- علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ذیل حرف «ر» ماده ربط، نقل از شدالازار. ۳۲- مقریزی، همان، ص ۴۲۹.

شده‌اند. مثل «رباط السدر» در مکه که منزلگاه «برهان‌الدین مصری» بوده و او در آن رباط به یتیمان قرآن تعلیم می‌داده است.<sup>۳۳</sup>

ظاهراً ابن بطوطه (۷۷۹-۷۰۳ ه‍.ق) آخرین کسی است که رباط را در کاربری آموزشی آن نام برده<sup>۳۴</sup> و گویا از قرن نهم هجری به بعد رباط با «کاروانسرا» هر دو مفهوم واحدی به خود گرفته و جایی شده است برای استراحت و اقامت زائرین و مسافران.

در متون تیموری و صفوی و سفرنامه‌های متعدد دوران قاجار هر جا سخن از رباط رفته است، وجهه کاروان‌پذیری و کاروانسرای آن مورد نظر بوده است. این امر باعث شده که واژه رباط و کاروانسرا یکی دانسته شود و حتی در بسیاری از کتابها و مقالات که درباره کاروانسرا یا رباط نوشته شده، آن دو یکی دانسته شده است، حال اینکه با اندک تاملی در سابقه شکل‌گیری و بقا و کاربری این دو پدیده تفاوت آنها به خوبی محسوس است.

در ضمن همایش بین‌المللی «مطالعه روشهای تهیه فهرست تحلیلی و منظم منطقه‌ای از کاروانسراها در آسیای میانه (۲۱-۱۷ آبان ۱۳۷۷ - دانشگاه یزد) خوشبختانه فرصتی دست داد تا جهت شناخت و تشخیص بیشتر رباط از کاروانسرا، از دانش برخی کارشناسان مدعو بهره‌مند شوم. بنا به گفته «خالد الاسعد» مدیر بخش اشیاء عتیقه موزه‌های پالمیر، رباط و کاروانسرا در سوریه دو پدیده کاملاً متفاوت بوده و اکنون نیز در مفهوم متفاوتند. رباط در ترکیب اتاقهای به هم پیوسته و زیربنای محدود همان مفهوم و کاربری سنگر و زاویه و خانقاه را داشته در صورتی که کاروانسرا که به «خان» معروف بوده و هست از ابتدا کاروان‌پذیر بوده و خرابه‌های آن در کنار راههای مدیترانه و دمشق به بین‌النهرین موجود است مثل: خان العنیه، خان الهلابت، خان المنقره و خان الرفافه<sup>۳۵</sup> و بنا به گفته و نوشته «ر. سنگوپتا» کارشناس هندی: «الگوی اولیه کاروانسراها در هندوستان به گونه‌ای همان «دیر»ها است. با آنکه در قرن ششم پیش از میلاد این

۳۳- همان، صص ۴۲۹-۴۲۸.

۳۴- ابن بطوطه، سفرنامه، ترجمه محمدعلی موحد، انتشارات علمی فرهنگی، تهران ۱۳۶۱، ص ۱۴۳.

۳۵- خالد الاسعد (مدیر بخش اشیاء عتیقه موزه‌های پالمیر) - نقل قول شفاهی.



دیرها از طرف مدیران بودا وقف بودا شده بود، اما مسافران و بازرگانان نیز با کاروانهایشان از آنها استفاده می‌کردند. این بناها علاوه بر ایمنی و پناهگاه، امکانات و تسهیلات لازم در اختیار مسافران می‌گذاشت<sup>۳۶</sup>». اظهار نظر این کارشناس را می‌توان عیناً در مورد رباطهای ایران تعمیم داد و پذیرفت که اگر چه کاروانسرا و رباط در ابتدا دارای ماهیتهای مشخص و متفاوت بوده، اما کم‌کم کاروانها از رباطها در ایران، همچون دیرهای هندی برای بیتوته استفاده کرده‌اند و تداوم استفاده از رباط همانند کاروانسرا باعث شده است که آن دو پدیده در اکثر موارد با نام «رباط» در فرهنگ معماری باقی بمانند.

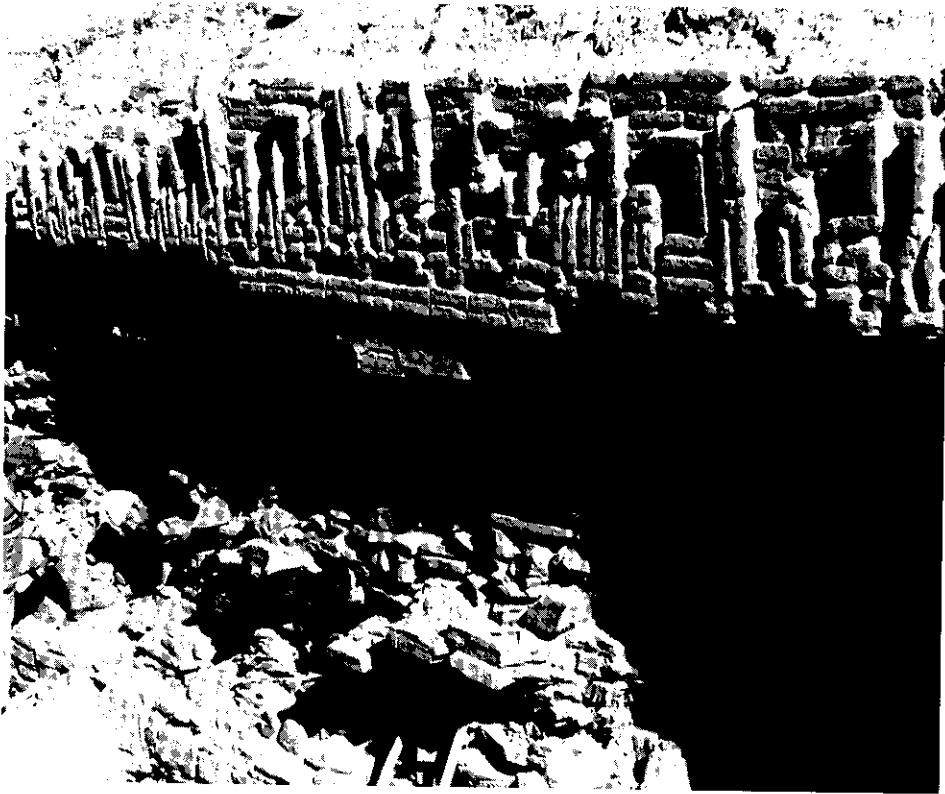
### منابع و مأخذ

- ۱- کریمی، فاطمه، مقدمه‌ای بر شناخت رباط در ایران، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۳، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۷۴، ص ۵۰۷، به نقل از ناصر مکارم شیرازی در تفسیر نمونه.
- ۲- مصاحب، غلامحسین، دایرةالمعارف فارسی، ج ۱، انتشارات فرانکلین، تهران، ۱۳۴۵، ص ۱۵۷۲.
- ۳- المنجد، ماده رباط.
- ۴- تاریخ سیستان، تصحیح ملک الشعراء بهار، انتشارات پدیده «خاور»، تهران، ۱۳۶۶، ص ۳۳۹.
- ۵- مقدسی، ابو عبدالله، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، بخش اول، ترجمه دکتر علی منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۶۱، ص ۲۸.
- ۶- و بیار تولد، ترکستان نامه، ج ۱، ترجمه کریم کشاورز، مؤسسه انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۶۶، ص ۱۳۹.
- ۷- طلّس، محمد اسعد، آموزش و پرورش در اسلام، اقتباس و نگارش محمد فارسی، در مجله آموزش و پرورش، ساز بیست و نهم، فروردین، ۱۳۳۷، ص ۲۸.
- ۸- نرشخی، ابریکر محمد بن جعفر، تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر احمد بن محمد بن نصر التبادلی، تصحیح و تحلیله مدرس رضوی، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۳، ص ۴۵.
- ۹- مشریری، خطط، مکتبه المثنی، بغداد، جلد ۲، ص ۴۲۷.
- ۱۰- ابن جبیر، رحله، ص ۲۱۸.

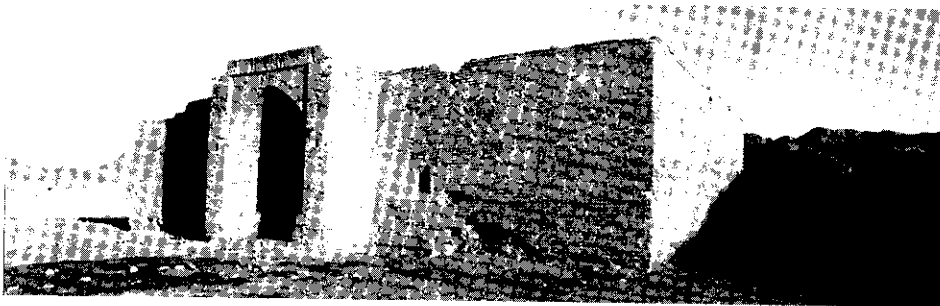
---

۳۶- ر. سنگوپتا، کاروانسراهای هند، خلاصه مقالات همایش بین‌المللی مطالعه روشهای تهیه فهرست تحلیلی و منطقه‌ای از کاروانسراها در آسیای میانه، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۷۷، ص ۲۸.

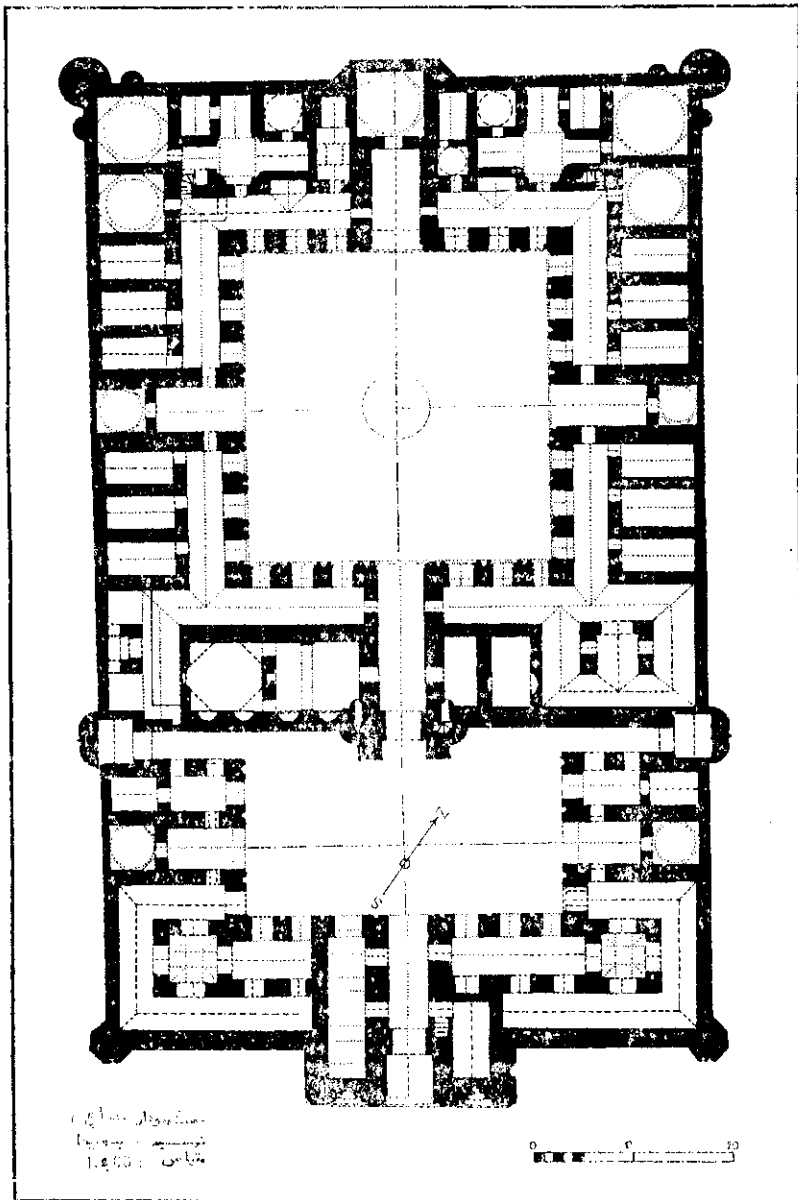
- ۱۱- آدام. متر. تمدن اسلام در قرن چهارم هجری. ترجمه ذکاوتی فراگزنو، امیرکبیر، تهران، ص ۳۲۵، به نقل از المنتظم ابن جوزی.
- ۱۲- محمد بن منور، اسرار التوحید، مقدمه و تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، ج ۱، مؤسسه انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۷۱، ص ۲۹.
- ۱۳- شیخ ابوالعباس احمد بن خالد الناصری، الاستقصاء من التاریخ الدول المغرب الاقصاء، ج ۲، ص ۷، در تأیید این مطلب در تاریخ سیستان آمده است که: «چون محمدعلی (محمد بن علی بن لیث) به بستان آمد فتح با او یکی شد اندر غارت کردن و مال سندن مردمان برباطها و جابهای مبارک همی شدند و دعا همی کردند مگر که فرج یابند از جور ایشان، تاریخ سیستان، ص ۲۹۲.
- ۱۴- لباف خانیکوی، رجبعلی، پیگردی در مسجد رباط زیارت، مجله میراث فرهنگی، ش ۱، ۱۳۶۹، صص ۱۸-۱۶.
- ۱۵- ابن یعقوب بن یحیی بن عیسی بن عبدالرحمن، الشوف الی رجال الصوف، مطبوعات معهد اللغات العلیا المغربیة، صص ۴۲۹، ۴۵۴، ۴۶۲.
- ۱۶- غنیه عبدالرحیم، تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی، ترجمه دکتر نورا... کسبایی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۳۶۳.
- ۱۷- مصطفی جواد، نقدی بر کتاب آموزش در اسلام، ترجمه محمدحسین ساکت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۰، ص ۳۶۳.
- ۱۸- بیهتی، ابوالفضل محمد بن حسین، تاریخ بیهتی، تصحیح علی اکبر فیاض، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۵۶، ص ۲۶۷.
- ۱۹- نیشابوری، فریدالدین عطار، تذکرة الاولیاء، به تصحیح دکتر محمد استعلامی، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۷۰، ص ۲۱۲.
- ۲۰- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ذیل حرف «ر» ماده ربط، نقل از شدالازار.
- ۲۱- ابن بطوطه، سفرنامه، ترجمه محمدعلی موحد، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۶۱، ص ۱۴۳.
- ۲۲- خالد الاسعد (مدیر بخش اشیاء عتیقه موزه‌های پالمیر)، نقل قول شفاهی.
- ۲۳- ر. سنگوپتا، کاروانسراهای هند. خلاصه مقالات همایش بین المللی مطالعه روشهای تهیه فهرست تحلیلی و منطقه‌ای از کاروانسراها در آسیای میانه، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۷۷، ص ۲۸.



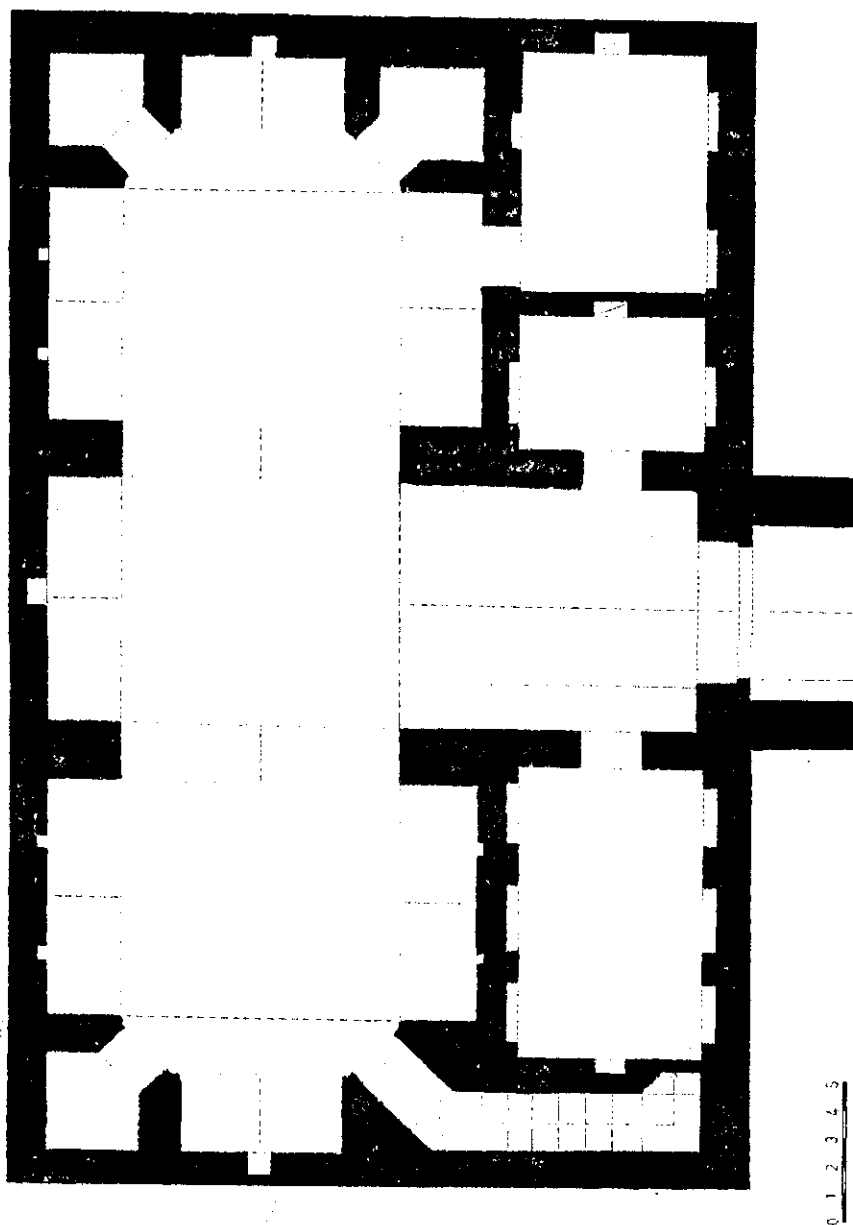
تصویر شماره ۱: رباط زیارت در نزدیکی خواف با کاربری مسجد



تصویر شماره ۲: رباط دهنه در نزدیکی طبس با کاربری خانقاه



پلان شماره ۱: رباط شرف با مقیاس ۱:۴۰۰



پلان شماره ۲: رباط دهنه با مقیاس ۱:۱۵۰